

واکاوی پیامدهای ناشی از جابه‌جایی سکونتگاهی: مطالعه‌ای قوم‌نگارانه در روستاهای لرینی علیا و سفلی

رسول لوایی آدریانی^{*}، ایرج قاسمی^{**}، محمدعلی محمدی قره‌قانی^{***}، سید علیرضا نوربخش جعفری^{****}

1396/07/20

تاریخ دریافت مقاله:

1396/12/16

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

تغییر مکان روستا که به جابه‌جایی معروف است غالباً با هدف استقرار ساکنین پهنه‌های پرخطر در نقاطی امن و با رویکرد بهبود وضعیت مردم صورت می‌پذیرد. مداخله در ساختار موجود از جمله جابه‌جایی سکونتگاه، با پیامدهایی برای ذینفعان آن همراه است که می‌تواند زندگی مردم را تحت تأثیر قرار دهد. شناخت و تحلیل این پیامدها برای جابه‌جایی‌های بعدی و مدیریت این تغییر مکان ضروری است. بررسی این پیامدها به‌ویژه در طرح‌هایی که با موفقیت کمتری روبرو بوده‌اند برای درس گرفتن از آن اهمیت بیشتری دارد. این پژوهش با هدف تحلیل پیامدهای ناشی از جابه‌جایی‌هایی که موفقیت کمتری داشته به اجرا درآمد.

مطالعه با رویکردی کیفی و با استفاده از روش‌شناسی قوم‌نگاری انتقادی انجام شد. رویکرد انتقادی بر این موضوع تأکید دارد که ممکن است جابه‌جایی روستاهای مورد مطالعه تابع خواست و اراده نظام برنامه‌ریزی باشد اما نوع برداشت و ادراک ذینفعان اصلی یعنی مردم روستا، در تشدید و تقلیل پیامدهای این فرایند نقش اساسی دارد. داده‌های میدانی با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته فردی و مشاهده مشارکتی در محدوده روستا و ساکنین آن با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و تا نیل به اشباع نظری جمع‌آوری شد. داده‌ها از طریق کدگذاری و مفهوم‌سازی استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت.

نتایج تحقیق نشان داد که فرایند جابه‌جایی به‌دلیل مکانیابی نامناسب موفقیت چندانی کسب نکرده و پیامدهای نامطلوب فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی به جای گذاشته است. نگاه کالبدی - فیزیکی به جابه‌جایی، آن هم به‌صورت ناقص، افزایش بدهکاری به‌دلیل هزینه‌های زیاد برای آماده‌سازی قطعات مسکونی، رها شدن قطعات تفکیکی و نیمه‌ساز و کاهش صمیمیت بین اهالی به‌دلیل وجود فاصله در بین قطعات از جمله پیامدهای شناسایی شده از سوی مردم در این جابه‌جایی می‌باشد.

بنابراین مطالعه پیشنهاد می‌کند جابه‌جایی فقط در شرایط خاص انجام شده و در این صورت نیز با اقدامات ترویجی، جابه‌جایی به خواست مردم تبدیل شود تا مردم درک شفافی از موضوع پیدا کنند.

کلمات کلیدی: جابه‌جایی سکونتگاهی، قوم‌نگاری انتقادی، پیامدهای اقتصادی، پیامدهای اجتماعی، روستای لرینی.

^{*} دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران.

^{**} عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. i_ghasemi@ut.ac.ir

^{***} عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.

^{****} دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جنگلداری.

مقدمه

جابه‌جایی سکونتگاهی یا اسکان مجدد پدیده‌ای بیشتر ناظر بر تجربیات کشورهای در حال توسعه (پورطاهری، افتخاری و بدری، 1390) بوده و به‌عنوان یک سیاست برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی به‌منظور بهبود فعالیت‌های تولیدی و نیز بهسازی استانداردهای زندگی (رضوانی و همکاران، 1389) مطرح شده است. در این فرایند، روستا به فاصله‌ای از محل روستای قبلی انتقال یافته و بازسازی می‌شود (سعیدی و حسینی حاصل، 1388). توسعه روستایی و به‌ویژه نظام‌بخشی به توزیع بهینه نقاط روستایی و تأمین امکانات و خدمات مورد نیاز روستاییان از اهداف این سیاست ذکر می‌شود. بروز عوامل طبیعی مانند سیل، زلزله (آيسان و دیویس، 1385؛ رضوانی و همکاران، 1389) یا عوامل انسانی نظیر نزدیکی به محل کار و هزینه کمتر دسترسی به فعالیت (آيسان و دیویس، 1385)، تخلیه مرزی، تجمیع سکونتگاهی، احداث سد (Merkle, 2003) زمینه جابه‌جایی را فراهم آورده است. این فرایند غالباً با اجتناب از اسکان در مبدأ برای جستجوی اشتغال جدید و جبران خسارت ناشی از زیان مادی (پورطاهری و همکاران، 1390) صورت می‌گیرد.

هدف کلی تغییر مکان، ایمن‌سازی روستاهای واقع در پهنه‌های پرخطر و دارای مشکل است به‌طوری که وضعیت معیشتی و رفاه ساکنین و به‌طور کلی کیفیت زندگی روستایی با جابجایی، بهبود یابد. بدین منظور لازم است مکانیابی استقرار روستا با روش مناسب و منطبق با ویژگی محیطی صورت پذیرد (رضوانی و همکاران، 1392). رسیدن به هدف طرح مستلزم فهم مشترک ذینفعان و مجریان است. از این رو سنجش

تحقق اهداف و توجه به ابعاد و اثرات طرح و فهم و درک مشترک مجریان و ذینفعان از اهداف و پیامدها می‌تواند به موفقیت آن کمک نماید.

فارغ از اینکه جابه‌جایی تحت تأثیر چه علل و عواملی صورت گیرد باید در نظر داشت که پیامدهای آن، جامعه هدف را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با وجود پیامدهای مثبت زیاد، گاه پیامدهای منفی باعث نارضایتی شده و اجرای طرح را متوقف ساخته است. در برخی از جابه‌جایی‌ها به دلیل بهبود نیافتن بهداشت و عدم پرداخت غرامت، ذینفعان بر این باور بوده‌اند که اجتماعات شهری و صنعتی از تغییر مکان آن‌ها منفعت می‌برند (Bessey & Tay, 2015). مطالعات متعددی در زمینه ارزیابی طرح جابه‌جایی انجام شده ولی اغلب بررسی‌ها رویکرد کمی داشته‌اند. این درحالی است که توجه به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جابه‌جایی در روستا نگاه تحلیلی را ضرورت می‌بخشد. واکاوی پیامدهای جابه‌جایی و رسیدن به درک مشترک از تحقق اهداف و تحلیل این موضوع مسئله مهمی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

ادبیات تحقیق

بسیاری از مطالعات در این حوزه با نگاهی تک‌بعدی به تبیین اثرات و پیامدها پرداخته و به برهم‌کنش پیامدهای مختلف توجه نشده است. رویکرد کمی در اغلب مطالعات، مانع از درک و فهم محتوایی شده است.

جی‌ها و همکاران (2010) مکانیابی را برای صورت‌بندی یک فرایند جابه‌جایی با اهمیت می‌دانند. در حالی که اغلب، شتاب‌زدگی با هدف سرعت بخشیدن به سامان‌دهی مناطق آسیب‌دیده مانع از انجام مطالعات دقیق برای انتخاب یک مکان مناسب

بروز پیامد نامطلوب اقتصادی جلوگیری کرده و ساختار قومیتی پس از جابه‌جایی تغییری نداشته است اما مهاجرت و کاهش جمعیت پس از جابه‌جایی مشهود است.

قراگوزلو و همکاران (1393) نشان می‌دهند که جابه‌جایی سکونتگاهی در افزایش دوام و مقاومت مسکن نقش داشته و رضایت ساکنین را ارتقاء داده است. فضای سبز و سیستم دفع فاضلاب نیز بهبود یافته است. در حالی که کیفیت آب آشامیدنی و وضعیت اقتصادی تغییر چندانی نداشته است.

صیدایی و آزادی (1393) به این نتیجه می‌رسند که مکان روستاهای لرینی علیا و سفلی در بستر شیب‌دار واقع شده و احتمال آسیب و خسارت در اثر حوادث طبیعی بالا است.

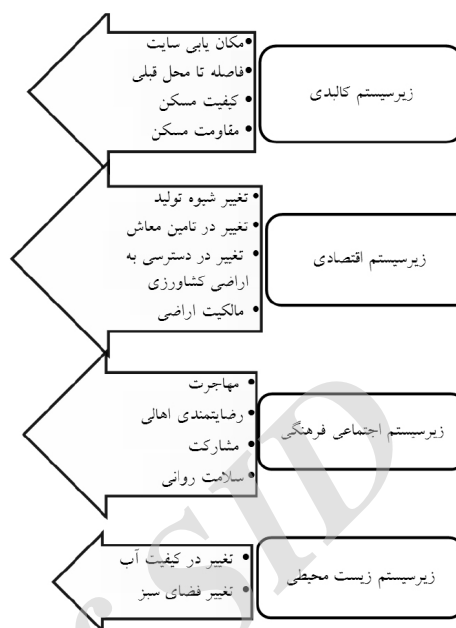
مطالعه سرنا (2000) نیز نشان داد که تغییر مکان به بازتولید فقر یا فقر ثانویه انجامی‌ده است. از دست دادن زمین، ساختمان و تجهیزات، کاهش دسترسی به آب آشامیدنی سالم و عدم دسترسی به خدمات از جمله عواملی هستند که به فقر بیشتر افراد جابه‌جا شده انجامیده است.

نتایج مطالعه تلیت و همکاران (2009) حاکی است که جابه‌جایی علاوه بر ابعاد اقتصادی، بر ابعاد اجتماعی - فرهنگی و فیزیکی - کالبدی زندگی روستاییان تأثیر داشته و ویژگی‌های اجتماعی شامل سلامت روانی، میزان مشارکت، سطح رضایتمندی و غیره در جوامع دستخوش تغییرات جدی شده است.

نتایج مطالعات و ادبیات موجود نشان می‌دهد که جابه‌جایی سکونتگاهی بر زیرسیستم‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی تأثیر (منفی یا مثبت) داشته‌اند و این زیرسیستم‌ها در زندگی روستایی دارای برهم‌کنشی عمیق می‌باشند (تصویر شماره 1).

و ایمن برای جابه‌جایی می‌شود. در جابه‌جایی علاوه بر کیفیت و ایمنی مقصد، فاصله تا محل سکونت قبلی و شبکه‌های اجتماعی و معیشتی نیز از دیگر عوامل مهم در فرایند جابه‌جایی است که به‌طور معمول دستخوش تغییرات جدی می‌شود. جابه‌جایی بر ابعاد مختلف زندگی نظیر ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اثرگذار است (Barakat, 1993). مطالعات آيسان و دیویس (1393) نیز نشان می‌دهد که گرچه در برخی موارد جابه‌جایی ضرورت پیدا می‌کند ولی با جابه‌جایی، ارزش‌های فرهنگی انتقال نمی‌یابد و در مواردی حس تعلق به مکان و دلبستگی به همسایگان برای جابه‌جایی خطراتی ایجاد کرده است. همچنین سرمایه‌گذاری زیاد برای زیرساخت جدید و تأثیرات منطقه‌ای از پیامدهای منفی جابه‌جایی به‌شمار می‌آید. با این حال چنانچه جابه‌جایی در فاصله مکانی کم صورت گیرد و مسائل اجتماعی و روانی و اقتصادی آن برای مردم قابل پذیرش باشد، جابه‌جایی مطلوب است (آيسان و دیویس، 1385 : 53). از نظر وبر و همکاران (2004) جابه‌جایی در وهله اول وضعیت اقتصادی ساکنین را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مختاری (1384) تمرکز اصلی مطالعه خود را بر وضعیت ژئومورفولوژیکی روستاها قرار داده و به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن نپرداخته است. در حالی که پژوهش عینالی و ابراهیمی (1393) حاکی است که مکان‌گزینی در حداقل مسافت برای روستاهای کاملاً تخریب شده در اثر زلزله (اسکان در مجاورت مکان قبلی)، بر بهبود مؤلفه‌های رفاه اقتصادی و وضعیت اجتماعی ساکنین مؤثر بوده است. مطالعه سلیمان‌زاده و همکاران (1393) نیز نشان داد که حفظ حداقل مسافت در جابه‌جایی و حفظ ارتباط با مراتع و اراضی کشاورزی، از



ت 1. صورت‌بندی پیامدهای جابه‌جایی براساس ادبیات موجود.

روش تحقیق

در این مطالعه از رویکرد کیفی استفاده شده و چارچوب روش‌شناسی آن بر مبنای فرایند قوم‌نگاری انتقادی طراحی شده است. قوم‌نگاری انتقادی به بررسی یک فرهنگ از منظر قدرت، برتری و اقتدار می‌پردازد و از این رهگذر نظام‌های ناعادلانه و غیرمنصفانه را آشکار می‌نماید (Harrowing & Mill, 2010). رویکرد انتقادی مورد استفاده در این مطالعه بر این موضوع تأکید دارد که ممکن است جابه‌جایی روستا تابع خواست و اراده نظام برنامه‌ریزی به‌دلیل محدودیت توسعه و صعوبت ساخت‌وساز باشد اما نوع برداشت و ادراک ذینفعان اصلی، در تشدید و تقلیل پیامدهای این فرایند نقش اساسی دارد. حتی این فرضیه که تقدم، تأخر و اهمیت جابه‌جایی در ارتباط با سایر روستاهای جابه‌جایی، تحت چه بسترهایی از تمایز یا نابرابری

صورت گرفته، تبیین‌کننده استفاده از رویکرد انتقادی است. همچنین شناسایی و تحلیل پیامدهای جابه‌جایی در یک بستر فرهنگی خاص مستلزم درک نظام مشترک معنایی از شرایط اجتماعی-اقتصادی کنشگران اصلی است که برای دستیابی به این نظام ادراکی، مطالعه قوم‌نگارانه به لحاظ ماهیت روش‌شناختی، در مقایسه با رویکرد کمی راهبرد مناسب‌تری است.

مراحل اجرایی قوم‌نگاری انتقادی بر مبنای مدل کارسپکن (1996) صورت گرفت. مدل مذکور از 5 مرحله متوالی یعنی مشاهده منفعلانه، برداشت‌ها و یادداشت‌های میدانی از طریق تحلیل بازنمایی مقدماتی و کدگذاری اولیه، استخراج مفاهیم و معانی حاصل از ادراک روستاییان در زمینه جابه‌جایی، جمع‌آوری داده‌های مربوط به ادراک مردم در زمینه جابه‌جایی، کشف روابط بین مجموعه مفاهیم و معانی بدست آمده و نهایتاً تفسیر و تبیین داده‌ها تشکیل شده است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته فردی و مشاهده مشارکتی در فرایند ساخت‌وساز مسکن استفاده شد. مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته این مطالعه با پروتکل اولیه پیگیری و در مراحل بعدی تحقیق از طریق مفاهیم و معانی به‌دست آمده در خلال داده‌ها اصلاح شد. مصاحبه‌ها به‌صورت هدفمند و تا نیل به اشباع نظری صورت گرفت. به‌منظور حصول به معانی واقعی داده‌ها از سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی (مرکزی) استفاده شد (Corbin & Strauss, 2008). طی کدگذاری باز، داده‌ها چندین بار بازخوانی شدند و به هر یک از عباراتی که تداعی‌کننده پیامدهای جابه‌جایی بود، برچسب مفهومی مناسبی، اطلاق شد. در وهله بعدی از طریق مقایسه مداوم مفاهیم مستخرج با داده‌های اصلی، طبقات محوری ایجاد شدند. این طبقات بر مبنای قرابت مفهومی کدهای باز شکل گرفتند. بدین

عدم تأیید مضامین بدست آمده از مراحل قبل جمع‌آوری شد. در چارچوب این نمونه‌گیری الگوهای مختلف و متعارض بدست آمده از مشارکت‌کنندگان اولیه در اختیار مشارکت‌کنندگان دیگر قرار داده شده و میزان همسویی این داده‌ها مشخص شد. از دیگر معیارهای بررسی پایایی نتایج، توجه به باورپذیری آن بود. بدین معنا که داده‌ها و فرایندهای تحلیلی تا چه اندازه بر زمینه مورد نظر تحقیق، تمرکز دارد (Polit & Beck, 2004). برای جمع‌آوری داده‌ها طیف وسیعی از مشارکت‌کنندگان و نیز موقعیت‌های طبیعی و مکانی روستا مد نظر قرار گرفت تا ابعاد پیامدی جابه‌جایی سکونتگاهی که زمینه اصلی تحقیق حاضر بود، به‌خوبی بازنمایی شود.

سؤال تحقیق

مسئله اصلی مقاله این است که در بستر ادراک مشترک بین محققان و ساکنین روستاهای مورد مطالعه، جابه‌جایی چه پیامدهایی داشته است؟ و در بطن دیدگاه و نگاه دینفعان، برهم‌کنش این پیامدها چه اثراتی بر زندگی مردم گذاشته است؟

یافته‌های تحقیق

خوانش فضا در بستر قبلی

روستاهای لرینی علیا و سفلی از توابع دهستان زنگوان، بخش مرکزی شهرستان سیروان در استان ایلام است. اهالی این دو روستا در مجاورت یکدیگر زندگی و به زبان کردی صحبت می‌کردند. اهالی هر دو روستا بر اراضی کشاورزی مالکیت داشته و روابط شغلی و اقتصادی تنگاتنگی با یکدیگر داشتند. این روابط در ابعاد اجتماعی نیز دیده می‌شد. آنان روابط خویشاوندی و انسجام اجتماعی بالایی با هم داشتند و دامداری شغل برخی از اهالی روستا بوده است.

معنا که مجموعه کدهای دارای مفهوم همسان در زمینه پیامدهای جابه‌جایی، در یک طبقه قرار گرفتند. در نهایت، آن دسته از طبقات محوری که دارای مفهوم واحدی پیرامون پیامدهای جابه‌جایی بودند در یک طبقه انتخابی مقوله‌بندی شدند. ارتباط بین کدها و طبقات از طریق صورت‌بندی خط داستان شکل گرفت. خط داستان در این مطالعه مشتمل بر توصیف فرایند جابه‌جایی و زمینه‌های بروز آن بود. در این راستا خط داستان جابه‌جایی، در قالب چندین صفحه تدوین شده و بر مبنای آن ارتباط میان طبقات و کدها مشخص گردید. خط داستان به‌عنوان مبنایی برای تداعی جریان پیامدی جابه‌جایی سکونتگاهی توانست در راستای شکل‌دهی روابط بین طبقات و کدها تسهیل‌گر باشد. در تحلیل نهایی با ارائه نقل‌قول‌های مستقیم، روابط میان طبقات و کدها مستندسازی شدند. داده‌های کیفی در نرم‌افزار Nvivo10 تحلیل شد.

از تکنیک سه‌بعدی‌نگری برای اعتبار داده‌ها و نتایج استفاده شد. بدین منظور پژوهشگران در نقاط مختلف روستاهای قدیم و شهرک جدید با مشاهده منفعلانه و مشارکتی و نیز انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با پروتکل یکسان برای افراد مختلف، به جمع‌آوری داده پرداختند. مقایسه تطبیقی داده‌های به‌دست آمده از نقاط مختلف روستا در کشف مضامین همسو و غیرهمسو و نیز تعیین اعتبار داده‌ها سهم به‌سزایی داشت. همچنین استفاده از نمونه‌گیری تأییدی و غیر تأییدی در مورد مضامین متعارض مستتر در داده‌ها از دیگر تکنیک‌های مورد استفاده برای تأمین اعتبار داده‌ها بود. پس از مقایسه داده‌های حاصل از پیمایش میدانی محققان مختلف (سه‌بعدی سازی محقق) و کشف مضامین همسو و غیرهمسو، با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری، داده‌های بیشتری برای تأیید یا

دو روستا در دامنه کوه با شیب متوسطی قرار گرفته و توسعه کالبدی با محدودیت جدی روبرو بود. بافت مسکونی از مصالح کم دوام ساخته شده بود. این عوامل باعث شد تا در سال 1385 دو روستا جابجا شده و در مکانی دیگر جمع شوند.

ادراک ساکنین از علت جابه‌جایی

انتفاع کارکردی جابه‌جایی برای دولت

ادراک ساکنین روستاها از جابه‌جایی در جدول شماره 1 مفهوم‌سازی شده است.

جابه‌جایی تابع دو مقوله بوده است. اولین مقوله یعنی صعوبت ساخت و محدودیت توسعه اصلی‌ترین علت جابه‌جایی است. این عامل در مواردی نیز به خواست مردم برای جابه‌جایی تبدیل شده و دلیل جابه‌جایی بوده است. بنابراین ماهیت اصلی علت جابه‌جایی، طبیعی است. اما مشارکت‌کنندگان معتقدند که درخواست اهالی، بر جابه‌جایی سکونتگاهی تأثیری نداشته و جابه‌جایی بدون توجه به این درخواست‌ها صورت پذیرفته است. به‌عنوان نمونه مردی 52 ساله چنین بیان داشت:

«... حالا شاید چهار نفر بلند شده باشند و رفته باشند بنیاد و گفته باشند که ما می‌خواهیم جابجا شویم، به این حساب و کتاب که روستا جای ساخت‌وساز ندارد اما این جابه‌جایی به حرف ما نبود و دولت هیچ‌وقت برای حرف ما خودش را به زحمت نمی‌اندازد. چون در این جور جاها حرف مردم خریدار ندارد...».

یا این گفته مرد 37 ساله که:

«... در روستای قبلی جا برای ساخت خانه نبود و جایمان تنگ بود ولی می‌خواهم این را بگویم که اگرچه بعضی از ما درخواست جابه‌جایی دادیم اما این درخواست ما نبود که جابجا شدیم. چون هیچ جا

حرف ما به حساب نمی‌آید که در جابه‌جایی بخواهد به حساب بیاید...»

مردم فراتر از محدودیت طبیعی، منافع دولت را در جابه‌جایی دخیل دانسته و بر این باور هستند که دولت ملاحظات منفعت‌طلبی برای خود را نیز در نظر گرفته است. از نظر اهالی، درخواست ساکنین برای جابه‌جایی در کنار منافع دولت مورد تحلیل و بازشناسی قرار گرفته و طرح جابه‌جایی طی برآوردی منفعت‌زا اجرا شده است. مردی 52 ساله در این خصوص بر این باور بود:

«... این به نفع دولت بوده. اگر هم کسی رفته درخواست جابه‌جایی داده مطمئن باشید که دولت هم برایش خوب بوده که این حرف را گرفته و تا آخرش هم ایستاده. جابه‌جایی برایمان یک سود داشت و هزار تا ضرر...».

مردی 34 ساله‌ای نیز می‌گوید:

«... برای دولت سود است و برای ما ضرر. پس اگر جابه‌جا شدیم برای دولت هم نفع داشت. آدم باید با چشم انصاف نگاه کند. کسی پولش را خرج ما نمی‌کند و برایمان دل بسوزاند...».

انتفاع جابه‌جایی برای دولت منحصر به نفع مالی و سود اقتصادی نمی‌شود بلکه اهالی از نوعی «انتفاع کارکردی» سخن می‌گویند. ساکنین بر این باور بودند که جابه‌جایی با هدف انتفاع کارکردی زمینه‌هایی را جهت تدوین عملکرد سازمانی فراهم می‌آورد و سابقه فعالیت‌های میدانی سازمان را غنا می‌بخشد. مردی 51 ساله در این زمینه چنین اظهار کرد:

«... این جابه‌جایی اگر در هر جای دیگر هم پیاده شود فقط برای دولت خوب است. چرا؟! چون فردا این جور می‌گوید که من فلان جا را جابجا کردم و امکانات دادم اما حالا شما نگاه کنید وضعیت چیست؟!...».

این اظهارات نشان می‌دهد که مردم عدم تأمین

مناسبت امکانات و ساختار فیزیکی - کالبدی شهرک را
 به عنوان دست مایه ای برای اثبات مدعای خود مبنی بر
 «انتفاع کارکردی» جابه جایی برای دولت به کار
 گرفته اند (جدول شماره 1).

ردیف	مفاهیم ذکر شده توسط اهالی	تعداد اسناد	فراوانی	طبقات محوری	طبقات انتخابی (مرکزی)
1	عدم توجه به مناسبت خویشاوندی در واگذاری قطعات	7	13	اصول و ضوابط کارشناسی جابه جایی	اعتماد یا عدم اعتماد به دولت و مدیریت
2	نقش شانس یا قرعه در همسایگی	5	6		
3	واگذاری بدون ضابطه زمین	1	1		
1	انتفاع جابه جایی برای دولت	7	13		
2	جابه جایی به قصد افتخار و نمایش برای دولت	2	2		
3	بی تأثیر بودن درخواست اهالی برای جابه جایی	4	6		
4	دشواری ساخت و ساز و محدودیت توسعه در روستای قبلی	4	5		
5	عدم موفقیت جابه جایی	8	16		
6	منفعت جابه جایی برای دولت از حیث کارکردی	3	4		
7	بهبود مسکن از نظر مقاومت	5	5		
1	افزایش مخاطرات احتمالی سیل به دلیل نیمه ساز بودن	3	3	رضایت از مکان جدید جابه جایی (بعد کالبدی - فضایی)	رضایت یا عدم رضایت از وضعیت کالبدی، خدماتی، اقتصاد و معیشت و اجتماعی
2	شیب زیاد منطقه و عدم وجود سیل بند	8	9		
3	ناامنی طبیعی شهرک علی رغم صرف هزینه های زیاد	1	4		
4	نامناسب بودن زمین های واگذار شده برای ساخت و ساز	12	21		
5	طولانی بودن فرایند جابه جایی و اسکان	1	3		
6	فقدان امنیت به دلیل نیمه ساز بودن شهرک	1	1		
1	ارائه خدمات ناقص و افزایش مشکلات	6	9	تأمین خدمات و امکانات (بعد کالبدی: خدمات و زیرساخت ها)	رضایت یا عدم رضایت از وضعیت کالبدی، خدماتی، اقتصاد و معیشت و اجتماعی
2	اثر ماندگاری فاضلاب بر آلودگی محیط	2	2		
3	کیفیت و کمیت پایین آب آشامیدنی	9	10		
4	تفاوت برداشت از فضای سبز در مقایسه با روستای قبلی	5	7		
5	شهری شدن ماهیت روستا بدون امکانات شهری	9	17		
1	بدهکار شدن در اثر ساخت و ساز	7	14	جابه جایی و تحمیل هزینه به مردم (بعد اقتصادی)	رضایت یا عدم رضایت از وضعیت کالبدی، خدماتی، اقتصاد و معیشت و اجتماعی
2	اثر تأمین خدمات بر افزایش هزینه ها	9	22		
3	ناتوانی در ساخت مسکن به دلیل کاهش درآمد	2	2		
4	هزینه بر بودن زیرسازی عاملی برای نیمه ساز بودن مسکن	9	11		
5	هزینه بر بودن زیرسازی مسکن به دلیل شیب تند منطقه	11	18		
1	افزایش فاصله اراضی کشاورزی تا محل سکونت	11	18	جابه جایی عامل تغییر نوع معیشت (معیشت و سکونت)	رضایت یا عدم رضایت از وضعیت کالبدی، خدماتی، اقتصاد و معیشت و اجتماعی
2	القای تفکر خوش نشینی در شهرک به دلیل تغییر اشتغال	1	1		
3	کاهش گرایش به دامداری و کشاورزی پس از جابه جایی	3	3		
4	فروش دام ها به دلیل نبودن فضای کافی برای نگهداری	4	7		
5	کوچک بودن قطعات مسکونی برای دامداری	11	28		
6	تغییر شیوه دامداری و کشاورزی پس از جابه جایی	1	1		
1	تأثیر جابه جایی بر مهاجرت	3	3	جابه جایی و تغییر مناسبات اجتماعی	رضایت یا عدم رضایت از وضعیت کالبدی، خدماتی، اقتصاد و معیشت و اجتماعی
2	احساس غربت در شهرک	5	5		
3	تغییر زندگی از حیث صمیمیت و اشتغال به دلیل جابه جایی	1	1		
4	کاهش صمیمیت پس از جابه جایی	7	11		

ج 1. مفهوم سازی از فرایند جابه جایی سکونتگاهی روستای لرینی بر اساس درک اهالی.

پیامدهای جابه‌جایی

تغییر مناسبات خویشاوندی، شیوع مهاجرت، نگرانی امنیتی، ابهام در مالکیت، افزایش هزینه‌ها و... مفاهیم حاصل از ادراک نظام مشترک معنایی مربوط به پیامدهای جابه‌جایی است.

اگرچه مناسبات همسایگی و خویشاوندی در شکل‌گیری فضای فیزیکی-کالبدی مکان قبلی نقش محوری ایفا می‌نمود اما در واگذاری قطعات مسکونی شهرک جدید ملاحظات خویشاوندی و همسایگی نقش چندانی نداشت. این موضوع از سوی ساکنین درک و فهم شده است. مردی 45 ساله چنین می‌گوید:

«... مشکل اصلی اینجاست که موقعی که خواستند زمین‌ها را واگذار کنند، نگفتند کی با کی همسایه است، روابط فامیلی در واگذاری زمین‌های جدید رعایت نشده است...»

غفلت از توجه به مناسبات خویشاوندی و همسایگی در واگذاری قطعات مسکونی علاوه بر کاهش انسجام و روابط اجتماعی، القاء‌کننده فضای شهری در اذهان اهالی بوده است. این موضوع از طریق احساس غربت در فضای شهرک و نیز کاهش صمیمیت قابل‌بازشناسی است. مردی 37 ساله در این‌باره چنین گفت:

«... در روستای قبلی مشکلی نداشتیم. صمیمیت و دوستی و خویشاوندی وجود داشت. فقط مشکل جاده و خیابان بود. در اینجا همدیگر را نمی‌شناسیم. الان با عموهاییم که قبلاً در کنار هم بودیم حدود 1 کیلومتر فاصله داریم...»

مهاجرت پس از جابه‌جایی سکونتگاهی یکی دیگر از پیامدهایی است که در حال حاضر نیز به‌صورت بطئی تداوم دارد. یکی از مطلعان کلیدی روستا که مردی 48 ساله بود در این‌باره چنین گفت:

«... تقریباً 400 نفر جمعیت داریم که در روستای قبلی 500 نفر داشتیم. 100 نفر از جمعیت مهاجرت کردند...» طولانی شدن فرایند جابه‌جایی موجب تشکیل فضاهای ساخته نشده و منجر به کاهش امنیت شهرک گردید. مردی 48 ساله در این خصوص چنین گفت:

«... من اولین خانه را اینجا ساختم، بدون برق و آب 6 ماه اینجا بودم... بنیاد مسکن مقصر نیست، زمین‌هایی که دادند برای ساخت و ساز نیستند...»

عدم تکمیل فرایند جابه‌جایی به‌طور مجزا به نظام مدیریتی و فنی مربوط می‌شود. از یک سو کوتاهی در ارائه خدمات و از سوی دیگر تأخیر در ساخت و ساز، منجر به تعویق فرایند مذکور شده است. در این‌باره یکی از مطلعان کلیدی روستا چنین گفت:

«... وقتی این خانه‌ها ساخته نشود اینجا امنیت نداریم. شهرک همین‌جوری ول است مثل یک بیابان. وقتی اینجا ول باشد، مردم نگران این هستند که این زمین‌ها به چه کسی داده می‌شود و به خاطر این جاهای خالی (قطعات ساخته نشده) همسایگی درست و حسابی درست نشده و انگار مردم غریبه‌اند...»

همچنین به دلیل قرار گرفتن بسیاری از قطعات واگذار شده در شیب تند، هزینه آماده‌سازی زیاد بوده و ساخته نشده‌اند. برخی از قطعات مسکونی نیز متعلق به مهاجرین بوده که برای ساخت آن‌ها اقدام نکرده‌اند. مردی 48 ساله در زمینه هزینه زیرسازی قطعات مسکونی چنین گفت:

«... خیلی از اهالی به خاطر همین زیرسازی پرهزینه پولشان تمام شد و نتوانستند خانه‌های خود را کامل کنند. خلاصه جایی که برای ساخت خانه‌هایمان به ما داده اصلاً جای مناسبی نیست...»

به‌طور کلی شیب تند بستر، هزینه‌های مربوط به توسعه فیزیکی-کالبدی شهرک را افزایش داده و

در واقع اهالی، دریافت امکانات به بهای افزایش هزینه‌های زندگی را منطقی ندانسته و در نظر داشتن توان روستایی در ارائه خدمات را الزامی می‌دانند. مرد 61 ساله‌ای موضوع اخیر را چنین توصیف کرد:

«... در روستای قبلی گاز نداشتیم، نفت مصرف می‌کردیم، اینجا گاز آورده‌اند، اما چه فایده‌ای! هر چه قدر هم کم مصرف می‌کنیم، باز هم باید پول زیادی برای گاز پرداخت کنیم. نمی‌دانم همه جا این گاز گران است یا فقط برای ما اینجور است! جابه‌جایی که به اسم امکانات گاز و... خرج ما را دو برابر می‌کند، چه سودی دارد!...»

شیب تند احتمال مخاطرات طبیعی نظیر سیل را دو چندان کرده است. اهالی روستا این احتمال که وقوع سیل در دامنه تند کوه منجر به خسارت‌های جبران‌ناپذیری به اهالی گردد را تا حدودی جدی تلقی می‌کنند. مردی 29 ساله در این باره چنین گفت:

«... در دل کوه خانه ساختن با باران‌های شدیدی که اینجا می‌آید اصلاً عقلانی نیست. حالا ما پول زیرسازی را دادیم و بدهکار هم شدیم ولی چیزی که الان هست، اینجا ایمن نیست. سیلاب خطرناک است. باران زیاد شود، خانه را آب می‌برد. این جابه‌جایی اصولی نبود. باید فکر می‌شد...»

به‌طور کلی، علی‌رغم تأکید برخی از اهالی بر استحکام مسکن جدید، نامناسب بودن مکان شهرک و نیز احتمال وقوع حوادث قهری، چنین استحکامی را خشتی جلوه داده و آن را ناکارآمد نموده است. اظهارات برخی از اهالی در خصوص استحکام مسکن جدید بدین شرح است:

«... وضعیت خانه‌ها بهتر شده، خانه‌ها مقاوم‌تر شدند...»

منجر به بروز نارضایتی شده است. مردی 52 ساله‌ای اذعان داشت:

«... این زمینی که برای خانه‌سازی به ما دادند، اصلاً به هیچ دردی نمی‌خورد، ببین چقدر من باید مصالح زیر خاک کنم تا اینجا یک کمی درست شود و صاف شود. اگر می‌دانستیم اینجا را به ما می‌دهند و آنجا را می‌گیرند، آنجا می‌ماندیم. زیرسازی اینجا خدا تومان هزینه می‌برد. باید با سنگ زیرساز کنیم...»

برخی از اهالی به دلیل نیاز به ساخت فوری مسکن خود، از طریق دریافت وام و استقراض اقدام به زیرسازی و ساخت کردند. از آنجا که بخش زیادی از تسهیلات دریافتی به زیرسازی و تسطیح قطعات اختصاص یافت، امکان ساخت فراهم نشده و منجر به افزایش بدهکاری‌ها شد و نارضایتی‌های دیگری در زمینه مالی-اقتصادی رقم زد که ریشه در مکانیابی داشت. مردی 38 ساله‌ای در این باره چنین گفت:

«... ما برای ساخت خانه‌های خود از وام استفاده کردیم اما هر چه وام گرفتیم برای زیرسازی خرج شد و الان تنها چیزی که برای ما باقیمانده قسط همین وام‌ها است که باید هر ماه برویم قسط بدهیم. جابه‌جایی ما را بدهکار کرد. خانه‌ها مقاوم‌تر شدند، ولی بدهکاری زیادی گردن ما افتاد...»

عامل دیگر در افزایش بدهکاری‌های اهالی ارائه برخی از خدمات و امکاناتی بود که مستلزم پرداخت هزینه است. مرد 38 ساله‌ای چنین بیان داشت:

«... همین گازی که برای ما کشیده‌اند شده یک مشکل، مگر یک روستایی چقدر درآمد دارد که باید این قدر پول گاز بدهد، همان بی‌گازی برای ما بهتر بود، مشکلات ما کم بود این هم به بقیه مشکلات اضافه شد...»

«... اینجا یک ذره خانه‌ها محکم‌تر و بهتر هستند...» تفاوت ماهیتی فضای سبز شهرک با فضای طبیعی روستای قبلی یکی از پیامدهایی است که درک شده است. به دلیل قرارگیری اراضی کشاورزی در پیرامون روستای سابق، کالبد روستا با فضای سبز در هم ادغام شده بودند. در حالی که شهرک از چنین نمایی برخوردار نبوده و این خلاء را مردم مطرح کردند. زنی 60 ساله طبیعت شکل گرفته را چنین ارزیابی کرد:

«... آنجا مثل شمال بود. اینجا بیابان است. نه درخت، نه پارک، نه فضای سبز هیچ چیزی ندارد. - در روستای قبلی - چشم‌ت را که باز می‌کردی انگار شمال بود، همه‌اش شالی و سرسبزی. این‌ها مشکل است...»

با جابه‌جایی، فاصله بین اراضی کشاورزی و محل سکونت افزایش یافته و دسترسی به اراضی کشاورزی مشکل‌تر شده است. همچنین واحدهای مسکونی واگذار شده به اهالی در مقایسه با نوع معیشت چندان کارآمد نیست. قطعات واگذار شده پاسخگوی فعالیت دامداری نبوده و بر این اساس ایجاد زاغه‌هایی از دامداری در سطح شهرک به چشم می‌خورد. مرد 45 ساله‌ای در خصوص دشواری دسترسی به اراضی کشاورزی چنین اظهار داشت:

«... قبلاً من به زمین‌های کشاورزی ام هر روز سر می‌زدم، اما الان دیگر توانایی ندارم هر روز به زمین‌هایم سر بزنم، چون الان زمین‌هایم 5 کیلومتر از من دورتر هستند و من نمی‌توانم به آن‌ها سر بزنم که همین کار من را خیلی مشکل کرده است...»

عدم تطابق قطعات مسکونی برای تداوم معیشت دامداری و نیز بدهکاری ناشی از ساخت واحدهای مسکونی، منجر به فروش دام‌ها شده است. ادعای فوق در اظهارات زنی 60 ساله این چنین تبیین شده است:

«... این جابه‌جایی به نفع ما نبود، باعث شد ما فقیرتر شویم، دام‌هایمان را از دست دادیم، خیلی از پس‌اندازهای خود را برای ساخت خانه خرج کردیم. همه زیر بار قسط و وام رفتند، ولی خوب چیزی هم تغییر نکرد...»

گرایش اهالی به دامداری و کشاورزی به‌طور چشمگیری کاهش یافته است، مردی 61 ساله چنین بیان داشت:

«... همه برای کار و کارگری به شهر می‌روند، قبلاً همه اینجا می‌ماندند و به پدرانشان در زمین و دامداری کمک می‌کردند؛ اما اینجا حاضر به کار نیستند، همه چیز سخت شده است...»

نتیجه

پیامدهای درک شده از جابه‌جایی سکونتگاه توسط ذینفعان، با آنچه از طرح انتظار می‌رود و در اهداف آن ذکر شده، تفاوت دارد. در این مطالعه واکاوی پیامدهای درک و فهم شده از سوی ساکنان روستایی به‌عنوان اصلی‌ترین ذینفعان طرح، آماج مطالعه قرار گرفت. نتایج مطالعات نشان داد که مردم انتظاراتی از جابه‌جایی داشته‌اند که عدم تحقق این انتظارات، تأثیر منفی بر برداشت و درک از جابه‌جایی داشته است.

بیشترین پیامدهای مثبت شناسایی شده از سوی ذینفعان، پیامدهای حاصل از برون‌دادهای کالبدی بوده است. تأمین زمین لازم برای توسعه آینده و امکان ساخت و ساز بیشتر، مقاوم شدن مسکن، بهبود کیفیت مسکن و تأمین خدمات زیرساختی از جمله گاز و آب مفاهیم ذکر شده از سوی ساکنین بوده است. با این وجود، عدم درگیری ذینفعان در مکانیابی و فهم نشدن مشکلات این اقدام، انتظارات آن‌ها را از مکان جدید برآورده نکرده است. از این رو مکانیابی نامناسب،

فاصله گرفتن از اراضی کشاورزی، کوچک شدن قطعات مسکونی و عدم امکان دامداری به شیوه سنتی و عدم آموزش برای این تغییر شیوه سکونت و معاش، اصلی‌ترین منبع درآمد اهالی از بین رفته و منبع جدیدی هم برای آن تعریف نشده است. این درحالی است که ضوابط فنی ساخت و ساز، آن‌ها را مقروض بانک‌ها کرده است. خوش نشینی و مهاجرت دو واکنشی است که مردم در قبال این فرایند انجام می‌دهند، بنابراین ساکنین تحت تأثیر از بین رفتن درآمدهای سنتی و ایجاد بدهکاری جدید، برداشتهای منفی خود را از فرایند جابه‌جایی بسط می‌دهند و به رابطه ملت و دولت و عدم اعتماد به کارکنان دولتی می‌رسانند. در این فضای عدم اعتماد، از بین رفتن منبع درآمد و شکل‌گیری بدهکاری جدید را برنامه‌ریزی شده از بالا تصور می‌کنند.

در زیر سیستم اجتماعی - فرهنگی بیشترین پیامدهای منفی ظهور داشته است. جامعه سنتی که روابط خود را بر مبنای رابطه خونی و نسبی تنظیم کرده و آن‌را در سکونت و نحوه چیدمان مسکن در فضا بروز داده، در یک زمان کوتاه برون داد کالبدی و چیدمان مسکن در سایت جدید را گسسته از روابط اجتماعی قابل فهم در محیط روستایی می‌داند. در نتیجه با مفاهیمی چون عدم توجه به مناسبات خویشاوندی در واگذاری قطعات، دخیل بودن شانس و قرعه در توزیع قطعات، احساس غربت در شهرک و کاهش صمیمیت در بین جامعه، از سوی مردم تعبیر می‌شود.

در مجموع، پیامدهای مثبت درک شده از سوی ذینفعان غالباً در زیرسیستم کالبدی - فضایی قرار گرفته و پیامدهای منفی درک شده در زیر سیستم اقتصادی و اجتماعی بوده است. این بدان معناست که در جابه‌جایی روستایی مداخله در سیستم

مفهومی بوده که ذکر شده است. احساس عدم امنیت از وقوع سیل مفهوم دیگری بوده که تحت تأثیر مکانیابی سایت قرار گرفته است. مکانیابی سایت جدید از سوی مردم انتظارات را برآورده نکرده و سختی ساخت و ساز به شکل دیگری تداوم دارد. اگر در مکان قبلی دشواری ساخت و ساز با سختی بستر تعریف می‌شد، در مکان جدید با شیب تند و ساخت و ساز در بستر شیب‌دار فهم می‌شود. بنابراین در سایت قبلی، سازنده با نیروی انسانی خود می‌توانست بر دشواری ساخت و ساز چیره شود و مسکنی با حداقل کیفیت بسازد، در صورتی که در مکان جدید تسطیح زمین و مقاوم سازی آن و تطبیق با ضوابط فنی، اجازه استفاده از نیروی انسانی مالک را کم می‌کند، در نتیجه مالک این گونه فهم می‌کند که در مکان جدید هزینه ساخت و ساز بالا رفته است. به عبارت دیگر تأمین استانداردهای ساخت و ساز باعث افزایش هزینه شده که این عامل، درک و فهم آن‌ها از مکان جدید را تغییر داده است.

از سوی دیگر اطلاق واژه شهرک بر انتظارات ذینفعان تأثیر گذاشته و خدمات و امکانات رفاهی ارائه شده را کافی و در سطح شهر نمی‌دانند. اگر در سایت قبلی موضوعی به نام دفع فاضلاب و زباله وجود نداشت، با اطلاق واژه شهرک و صورت‌بندی جدید از فضا، این موضوع به عنوان یک وظیفه دولتی در انتظارات تعریف و فهم می‌شود و مشکل دفع زباله و فاضلاب یکی از مفاهیمی است که به تواتر ذکر می‌شود.

تغییر شیوه سکونت از روستانشینی به شهرک نشینی الزامات خاص خود را دارد. در جابه‌جایی سکونتگاه روستایی این فرایند با شتاب زیادی انجام شده است. در نتیجه ذینفعان هنوز آمادگی لازم را برای تغییر در معیشت و فعالیت خود نداشته‌اند. از این رو با

کالبدی می‌تواند عواقبی در سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی داشته باشد که مجری این طرح نباید آنرا نادیده بگیرد. نادیده گرفتن این سیستم‌های فرعی زمینه را برای بروز کژ کارکردی در تمام سیستم و تأثیر منفی بر عملکرد کلی آن فراهم می‌آورد (جدول شماره 2).

این مطالعه نشان داد که برای کاهش پیامدهای منفی احتمالی باید جابه‌جایی به‌عنوان یک فعالیت و اقدام پسینی در نظر گرفته شود. بدین معنا که اقدامات ترویجی، توجیهی، آماده‌سازی و توانمندسازی جامعه و مشارکت در تمام فرایندها باید قبل از اقدام به جابه‌جایی در برنامه کار قرار گیرد. تعامل با جامعه هدف و ذینفعان و درگیر کردن آن‌ها در فرایندهای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی طرح می‌تواند سوء برداشت‌هایی که در این مطالعه تا سطح رابطه دولت و ملت گسترش یافته را کاهش دهد. این تعامل به تسهیل‌گران و کارشناسان فنی نیز کمک می‌کند تا نیازهای زندگی سنتی را با الزامات زندگی جدید تطبیق دهند و از بروز پیامدهای ناخواسته جلوگیری کنند.

تشکر و قدردانی

این مقاله مستخرج از طرح «ارزیابی اثرات جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی» به کارفرمایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی می‌باشد. در این مطالعه 13 روستای جایجا شده با روش کیفی و کمی مورد مطالعه قرار گرفته است. روستای لرینی یکی از این نمونه‌ها بوده که موفقیت کمتری داشته است. این مطالعه در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت عمران روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مرکز و با حمایت مالی این دفتر انجام شده که بدین وسیله از تمامی دست‌اندرکاران آن قدردانی به‌عمل می‌آید.

محدودیت تحقیق

این مطالعه با یک محدودیت عمده که برخاسته از بستر تحقیق و جهت‌گیری محقق برای جمع‌آوری داده‌ها است، مواجه بود. مطالعه در زمانی انجام شد که برخی از اهالی در حال تکمیل مسکن خود بودند. این

عناصر	پیامدهای درک شده
زیرسیستم کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> - مکانیابی نامناسب سایت - فاصله تا محل قبلی - کیفیت مسکن - مقاومت مسکن - تأمین خدمات زیربنایی و رفاهی - عدم تأمین فضای لازم برای کارهای خانگی و دامداری سنتی
زیرسیستم اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - تغییر نوع فعالیت و سبک زندگی و کاهش درآمد - افزایش هزینه ساخت در اثر مکان‌یابی نامناسب و مدرن‌سازی مسکن - مقروض شدن ساکنان به بانک - افزایش هزینه‌های زندگی در اثر ورود خدمات جدید (گاز، آب و برق) - اضافه شدن هزینه دسترسی به مزرعه
زیرسیستم اجتماعی فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش احساس امنیت به دلیل وجود قطعات ساخته نشده - تسلط ایده شهرگرایی در اثر شهرک شدن و عدم تأمین انتظارات - عدم توجه به وابستگی خانوادگی در واگذاری قطعات - کاهش صمیمیت و افزایش احساس غربت و بیگانگی
زیرسیستم محیطی	<ul style="list-style-type: none"> - مسئله شدن جمع‌آوری فاضلاب و ضعف در این زمینه - کاهش کیفیت و کمیت آب آشامیدنی - عدم تأمین فضای سبز مورد انتظار و درک متفاوت از فضای سبز
زیرسیستم نهادی	<ul style="list-style-type: none"> - احساس دستوری بودن و تولید منافع برای دولت و تأثیرگذاران - طولانی شدن فرایند جابه‌جایی و واگذاری - طولانی شدن فرایند تأمین خدمات و زیرساخت‌ها

ج 2. پیامدهای درک شده توسط مردم از فرایند جابه‌جایی روستاهای لرینی علیا و سفلی.

از زلزله (نمونه موردی: اسطوخ کوه بعد از زلزله سال 1369 در گیلان-زنجان). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال سوم، شماره 5. صص 29-43.

صیدیایی، سید اسکندر؛ آزادی، یونس. (1393). ارزیابی طرح‌های جابه‌جایی روستایی از نظر مکان‌یابی (مورد مطالعه: روستاهای لرینی علیا و سفلی و فرخ آباد- استان ایلام). فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ششم، شماره دوم، صص 258-239.

عینالی، جمشید؛ ابراهیمی، صدیقه. (1393). ارزیابی اثرات جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی آسیب‌دیده از سانحه زلزله بر روی کیفیت زندگی ساکنین، مطالعه موردی روستای لک و طبل شکن. سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی. قابل دسترس در

http://www.civilica.com/Paper-FNSSRD03-FNSSRD03_128.html

قراگوزلو، هادی؛ عیسی‌لو، علی اصغر؛ گراوند، فرزاد. (1393). ارزیابی اثرات کالبدی- فضایی جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملاوی، شهرستان پلدختر). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال چهارم، شماره 16. صص 125-136.

مختاری، داود. (1384). آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی از فعالیت گسل و ضرورت جابه‌جایی آن‌ها (نمونه موردی: روستاهای واقع در امتداد گسل شمالی میشو). فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 53. صص 71-86.

Barakat, S. (1993). Rebuilding and resettlement, 9 years later: A case study of the contractor built reconstruction in Yemen, following the 1982 Dhamar earthquake. IAAS. Post-war reconstruction & development unit.

Bessey, F. O, & Tay, P. O. (2015). Resettlement Induced Secondary Poverty in Developing Countries. Journal of Developing Country Studies. Vol.5, No.5. 170-179.

Carspecken, P. F. (1996). Critical ethnography in educational research: A theoretical and practical guide. Psychology Press.

Cernea, M. M, & McDowell, C. (Eds). (2000). Risks and reconstruction: Experiences of resettlers and refugees. World Bank Publications.

Corbin, J. & Strauss, A. (2008). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks.

Harrowing, J. N. & Mill, J. (2010). Moral distress among Ugandan nurses providing HIV care: a

عامل به‌عنوان یک مداخله‌گر در یافته‌های تحقیق مورد توجه قرار گرفت. با توجه به تقارن زمانی انجام مطالعه با تکمیل فرایند جابه‌جایی، سعی شد برای کاهش تأثیر بار روانی و مالی ناشی از جابه‌جایی بر اظهارات اهالی از افراد متفاوت و در موقعیت‌های مختلفی نمونه‌گیری به‌عمل آید. همچنین سه‌بعدی نگری محقق برای جمع‌آوری داده‌ها از جمله تکنیک‌های مورد استفاده برای کاهش این محدودیت بود. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی ضمن توجه به اثر همزمانی مطالعه و اجرای فرایند جابه‌جایی از مطالعات آمیخته (کیفی- کمی) به‌منظور کاهش انحراف ناشی از فاز کمی یا کیفی استفاده شود.

فهرست منابع

آيسان، یاسمین؛ دیویس، یان. (1385). معماری و برنامه‌ریزی بازسازی، ترجمه علیرضا فلاحی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، سیدعلی. (1390). راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی: با تأکید بر تجربیات جهانی و ایران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

رضوانی، محمدرضا؛ نظری، ولی‌اله؛ خراسانی، محمدامین. (1389). فرهنگ و مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه روستایی. انتشارات جهاد دانشگاهی. چاپ اول، تهران.

رضوانی، محمدرضا؛ کویکی، لیلا؛ منصوریان، حسین. (1392). تأثیر اسکان مجدد بر کیفیت زندگی روستاهای آسیب‌دیده از سوانح طبیعی مطالعه موردی شهرک زنجیران و شهرک انصار استان فارس، مجله مسکن و محیط روستا، شماره 144.

سعیدی، عباس؛ حسینی حاصل، صدیقه. (1388). شالوده مکان‌یابی و استقرار روستاهای جدید، تهران، انتشارات شهیدی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی.

سلیمان‌زاده، سیما؛ مهدویه، سیده مریم؛ سرتیپی‌پور، محسن. (1393). ارزیابی جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی پس

- critical ethnography. *International Journal of Nursing Studies*, 47, 723–731. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2009.11.010>
- Jha, A. K., Barenstein, J. D., Phalps, P. M, Pittlet, D., & Sena, S. (2010). Safer homes, stronger communities, a handbook for reconstructing after natural disasters. GFDRR, The World Bank.
- Merkle, R. (2003): Ningxia's Third Road to Rural Development: Resettlement Schemes as a Last Means to Poverty Reduction? *China Quarterly* 139:644–69.
- Polit, D. F., & Beck, C. T. (2004). *Nursing research: Principles and methods*: Lippincott Williams & Wilkins.
- Tilt, B., Braun, Y. and D. He. (2009): Social impacts of large dam projects: A comparison of international case: studies and implications for best practice, *Journal of Environmental Management*. 90: 249–257.
- Webber, M. and B. Mcdonald. (2004): Involuntary Resettlement, Production and Income: Evidence from Xiaolangid, PRC. *World Development* 32: 673– 690